

متن پرسش

سلام علیکم: (۱) آیا عقل منبع شناخت است یا ابزار شناخت است؟ (۲) اصل بدیهی اجتماع نقیضین محال است در کدام قوه نفس قرار دارد و چگونه در نفس به وجود آمده که ما به آن یقین داریم؟ آیا قضیه ای ذهنی است و یا فوق ذهن است؟ (۳) آیا می توان گفت قضایای بدیهی دارای روح حقیقی و وجودند و نوعی موجود مستقل در عالم معنی و مجردات است که این قضایا در اوست و با نفس انسان از طریق عقل مرتبط است و این بدیهیات را به انسان افاضه می کند؟ (۴) آیا قضایای بدیهی را خداوند به انسان افاضه کرده و نوعی نور الهی هستند که بر عقل هر انسانی می تابند تا راه خطا از ثواب تشخیص داده شود و چون دائما در حال موجود شدن هستیم دائما این نور الهی بر نفس افاضه می شود؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: لازم نیست ما در احساس بدیهی خود مثل یک مفهوم ذهنی نظر کنیم تا گرفتار این سؤالات شویم. همان طور که در جواب سؤال شماره‌ی ۱۱۹۳۴ عرض شد همین که ما وجودی داریم که دارای حیات و علم است این نوع ادراکات را داریم و به تعبیر فلاسفه اتحادی بین ذات ما و وجود این ادراکات در ما هست زیرا به وجود ما ربط دارد همان طور که صفات خداوند عین وجود خداوند است. موفق باشید